

موسیقی از منظر قرآن و فقه

منیره حکمت پناه*

چکیده

موسیقی یکی از مظاهر زیبایی در طبیعت است و گرایش به آن یک میل فطری و سیر نشدنی است؛ زیرا که در مغز انسان، مرکزی برای دریافت موسیقی وجود دارد که در پشت پیشانی قرار دارد و از قضا این همان نقطه ای است که وظیفه یادگیری و ابراز احساسات انسان را نیز بر عهده دارد. پس عکس العمل نشان دادن در مقابل آهنگهای موسیقی هر چند جزئی یک امر طبیعی و انکار ناپذیر است؛ زیرا آن در اعماق وجود انسان و در دل زندگی مستتر و نهفته است و طلسم نغمه‌های موسیقی آن چنان است که، حتی انسانهای دور از احساس را نیز به طور سحرآمیز تحت تأثیر خود قرار می‌دهد.

پس با توجه به تأثیر معجزه آسای موسیقی بر عالم و آدم، فقه اسلامی همیشه در صدد آن بوده است که این گرایش فطری را در جهت مشروع و معقول کنترل کند و آن را در محدوده شرع مقدس قرار دهد و بیان نماید. آنچه از دیدگاه شرع مقدس اسلام در این باب حرام شده، موسیقی مبتذل و بیعاریست که دارای جنبه روحانی و علمی ثبت نباشد (آهنگهای کوچه و بازاری) و انسان و جامعه را به ابتذال، آلودگی، انحراف، اضلال و افساد بکشاند و آدمی را از طی مسیر سعادت و کمال و راه و یاد الهی باز دارد که در قرآن کریم نیز از آن با عنوان «لغو الحدیث» یاد شده است. و اگر هم غنا از دیدگاه اکثر منابع روایی و فقهی حرام شمرده شده است، بدین جهت است که در آن زمانها (دوران بنی‌امیه و بنی‌عباس) از موسیقی فقط به صورت لهو و باطل همراه با مقارنات حرام (مجالس مختلط، شرابخواری و...) استفاده می‌شد بنابراین در این مقاله به حول الله تعالی، حلیت و حرمت موسیقی را از منظر قرآن و فقه مورد بحث و بررسی قرار می‌دهیم.

واژگان کلیدی: طلسم نغمات، صوت حسن، لهو الحدیث، طرب، معیار ارزش

مقدمه

موسیقی یکی از موضوعات فقهی است که دیدگاههای متعددی را به خود گرفته است و از جمله موضوعاتی است که تحت تأثیر شرایط زمانی، محیطی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی بوده و در هر دوره‌ای از زمانها به شکل خاصی از آن استفاده شده و می‌شود؛ زیرا که از مسایل متشابه است و در ردیف عناوین ثانویه قرار گرفته است. پس می‌تواند هم جنبه مجاز داشته باشد و هم غیرمجاز. پس باید به خاطر سپرد که همیشه موسیقی دارای دو بعد مثبت و منفی بوده و خواهد بود.

اهمیت فوق العاده موضوع موسیقی بدین علت است که یک قطعه آهنگ بالاخص آهنگ با کلام قادر است به جای دهها یا صدها کتاب، پیام خود را سریعاً به مستمع برساند؛ چنان که می‌بینیم رسانه‌های گروهی برای تأثیرگذاری سریع برخی برنامه‌ها بر روحیه و افکار مردم، از ریتمهای خاص موسیقی استفاده می‌کنند. یعنی ارسال و ابلاغ پیامهای معنوی از طریق موسیقی سریع‌ترین راه است تا با مراسم سخنرانی و کتب اسلامی و عرفانی و ...

حربه موسیقی یکی از قدرتمندترین و سریع‌ترین راههایی است که می‌توان با آن افکار و اندیشه آدمی را تحت تأثیر قرار داد و یا تغییر داد. اما دور از انصاف است که این موضوع به هر موسیقی متعالی و روحانی سرایت داده شود، بلکه منظور از این حربه خطرناک، موسیقی شیطانی یا مبتذل است که ارمغانش جز خشونت و تجاوز، بی بند و باری و بی عفتی و دهها پیامدهای زیانبار برای حیات بشری چیز دیگری نیست.

اما باید دانست هر نوعی از موسیقی، هدف خاصی را دنبال می‌کند که شاید در اکثر مواقع با هم نیز متضاد و متغایر باشند. مثلاً هدف از موسیقی «راک» ایجاد تحركات منفی و از خود بیگانگی است، اما هدف از موسیقی هندی ایجاد احساس و عاطفه در شنونده است. شاید هر کس برداشت خاصی از موسیقی کند و آن را برتر بداند؛ مثلاً، یکی تحرك را بر آرامش و دیگری آرامش را بر تحرك ترجیح دهد. اما

بینیم دنیا تشنه چه چیزی است؟ آیا میل به آرامش دارد یا تلاطم؟ آیا هدفش عقل مندی است یا دیوانگی؟

هر آهنگ و قطعه‌ای از موسیقی، فرهنگ خاص ملت خود را می‌طلبد؛ زیرا که در غیر این صورت ناهنجاریها پا به میدان می‌گذارند. مثلاً موسیقی غربی برای مردمی همچون ایران زمین ساخته نشده است. بلکه آن موسیقی بر اساس آیین مسیحیت استوار است، در حالی که موسیقی ما مسلمانان بر اساس عرفان و تعالی بنا شده است.

اما کسانی هم هستند که این نوع موسیقی را پذیرا نیستند و می‌گویند که دیگر، این نوع آهنگها کهنه و تکراری شده و مردم بالاخص نوجوانان و جوانان نیاز به جنب و جوش و تحرک جسمانی دارند.

در جواب باید گفته شود که آیا واقعاً مردم به تحرک نیاز دارند یا به از خود بیگانگی و دیوانگی؟

مگر قرار است هر چیز کهنه و تکراری را کنار گذاشت. پدر و مادر نیز بعد از مدتی کهنه می‌شوند، پس العیاذ بالله باید کنار گذاشته شوند، یا خورشید میلیاردها سال است که از مشرق طلوع می‌کند، دیگر باید از مغرب طلوع کند و خیلی از موارد مهم حیاتی دیگر، که مطابق نظریه این گونه افراد باید کنار گذاشته شوند.

شایان ذکر است که تمام مسایل حیاتی و معنوی هر چند سالیان سال هم از روی آنها بگذرد باز تازه و روحبخش هستند، مانند اذان، مناجات، آوای دلنشین قرآن کریم، محبت کردن به دیگران، خدمت به والدین، دستگیری از محرومین، کسب فضایل اخلاقی، راستگویی و ... آنهایی که برای این چنین مواردی به دیده کهنه و تکراری می‌نگرند، همان صاحبان افکار لوس آنجلسی هستند که قصد دارند بسیاری از ارزشها را عوض کنند. اما این گونه افراد تازه گرا باید بدانند و این را لمس کنند که اجرای تز آنان در هر چیزی امکانپذیر نیست.

موسیقی از دیدگاه قرآن کریم

مشهور ترین آیه قرآن کریم در باره حرمت موسیقی لهوی عبارت است از :

۱ - « وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَن سَبِيلِ اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَتَتَّخِذَهَا هُزُوًا أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ »^۱

برخی از مردم، خریدار سخن بیهوده اند تا بدون علم مردم را از راه خدا گمراه کنند و راه خدا را به مسخره گیرند آنان را عذابی خفت آور در انتظار است.

شان نزول :

مرحوم علامه طباطبایی در باره شان نزول آیه شریفه فرموده است که کلمه لهو به معنای هر چیزی است که آدمی را از مهمش باز دارد، و لهو الحدیث آن سخنی است که آدمی را از حق منصرف نماید و به خود مشغول سازد. مانند: حکایات خرافی و داستانهایی که آدمی را به فسق و فجور می کشاند، از قبیل سرگرمی با شعر و موسیقی و مزار و سایر آلات لهو، که همه اینها مصادیق لهو الحدیثند ... لهو الحدیث و خرافات ساختگی دست به دست گشته و در درجه اول معارض با داستانهای حق و صحیح است و در درجه دوم بنیان سایر معارف حقه را در انظار مردم سست می کند و سپس منهدم می سازد. و مراد از سبیل الله قرآن است، بدان جهت که مشتمل بر قصص و معارف است و گویا مراد کسی که خریدار لهو الحدیث است این است که مردم را از قرآن منصرف و گمراه نماید و در نتیجه مردم، قرآن را هم به سخریه بگیرند و به مردم بگویند که این نیز حدیث است، مانند آن احادیث و اساطیر.^۲

پیام آیه شریفه به کسانی است که تمام دار و ندار مادی و معنوی خود را برای گمراه کردن خود و دیگران صرف می کنند تا بتوانند برخی از مردم بالاخص نوجوانان و جوانان خام و ناپخته را در تله شیطانی خود گرفتار سازند. دامهای این شیادان عبارت است از: تکثیر فیلمها و سی دیهای مبتذل، ترتیب دادن مجالس پارتی (مختلط) همراه با تعارف انواع و اقسام مواد تخدیر کننده، بالاخص قرصهای مرگ

آور اکس، داستانهای عاشقانه بی محتوا، ایجاد سایت‌های مبتذل در شبکه‌های اینترنتی، ترویج آهنگهای مبتذل شرقی و غربی، ساختن طنزهای مسخره آمیز در پشت سر شخصیت‌های برجسته و فاضل، علمی نشان دادن طالع بینی و فال بینی و ترویج خرافات در میان مردم و منحرف ساختن افکارشان و ... و متأسفانه برخی نیز پولهای کلانی برای رسیدن به این موارد فوق خرج می‌کنند که همه اینها در عصر حاضر جزء مصادیق لهو الحدیثند.

جای هزاران تأسف است که چرا برخی، از عقل سلیمشان برای تشخیص راه و چاه استفاده نمی‌کنند و نه تنها از این سخنان منحرف و اعمال پوچ و فاسد پیروی می‌کنند، بلکه سرمایه گرانبهای عمرشان را نیز صرف چنین کارهایی می‌کنند. مگر خدای باریتعالی در قرآن کریم دستور نفرموده است که « از میان سخنانی که می‌شنوید بهترینشان را تبعیت کنید؟»^۳ یا ای کاش توفیقی حاصل می‌شد که به فرمایش گهر بار مولای متقیان حضرت علی (ع) عمل می‌کردیم که فرمود: «اصل السلامة من الزلل، الفكر قبل الفعل، یعنی پایه سالم ماندن از لغزشها، اندیشیدن قبل از انجام کارهاست.»^۴

اما نگارنده نظر بر این دارد که اکثر افراد گمراه و گمراه کننده علاوه بر نداشتن عقل سلیم، دچار جهل بسیار خطرناکی هستند که چشم و گوش بسته، خود و دیگران را نابود می‌کنند؛ زیرا اگر حقیقتاً درک می‌کردند که در منجلاب تباهی دست و پا می‌زنند، بالاخره راه نجاتی برای خود باز می‌کردند؛ زیرا مشاهده می‌کنیم که قرآن کریم در این باره کلمه «بغیر علم» به کار برده است.

مطابق فرمایش قرآن کریم این چنین اشخاصی تنها به گمراه کردن دیگران اکتفا نمی‌کنند بلکه آیات الهی را نیز به باد استهزاء می‌گیرند که خداوند متعال از عبارت «یتخذها هزوا» استفاده فرموده است. مثلاً، افرادی هستند که خود اهل عبادت و احسان و انفاق نیستند، اما اهل این چنین اعمالی را مورد اهانت و استهزاء قرار نمی‌دهند، اما متأسفانه افراد لثیم و از خدا بیخبری وجود دارند که خود نه تنها

اهل این کارها نیستند، بلکه عاملان امور معنوی را نیز مورد استهزاء قرار می‌دهند و به همین جهت خداوند متعال برای این گونه افراد عذاب خوار کننده‌ای در نظر گرفته است؛ زیرا اینها دو جرم سنگین را مرتکب شده‌اند؛ گمراه کردن دیگران و توهین به آیات الهی. «اولئك لهم عذاب مهین».

قابل ذکر است که گفته شود حتی اگر کسی اولیاء الله یا پیروان راستین دین را مورد اهانت و استهزاء قرار دهد در واقع مثل اینکه آیات الهی را مورد استهزاء قرار داده است؛ زیرا که این افراد از نشانه‌های الهی‌اند و برای آنان نیز عذاب خوار کننده‌ای است.

در این آیه شریفه ویژگیهای موسیقی لهوی به وضوح بیان شده است و الا در آیات دیگری مشاهده خواهیم کرد که صوت زیبا و نیکو، حسن شمرده شده است :

داود (ع) و صدای خوش او

آهنگ زیبای حضرت داود (ع)، موهبت خاص الهی بود که از آن برای تسبیح خدای باریتعالی استفاده می‌کرد؛ چنان که در این باره خداوند متعال فرموده است: «وَ

لَقَدْ آتَيْنَا دَاوُدَ مِنَّا فَضْلًا يَا جِبَالُ أَوِّبِي مَعَهُ وَالطَّيْرَ ...»^۵

یعنی به عزتم سوگند که بی‌گمان داود را از جانب خویش فزونی دادیم و گفتیم ای کوهها به همراه پرندگان با او همصدا و هم‌آواز شوید.

اوبی در اصل از تأویب به معنی ترجیع و چهرچه صوت و گرداندن صدا در گلوست. در این باره امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: «انه خرج یقرأ الزبور وکان اذا قرأ الزبور لایبقی جبل و لاججر و لا طائر الا اجابة».

یعنی هنگامی که او به طرف کوه و بیابان خارج می‌شد و زبور را تلاوت می‌کرد هیچ کوه و سنگ و پرنده‌ای نبود که با او هم صدا نشود.^۶

اگر در مورد نغمه دلنشین حضرت داود (ع) دقت بیشتری به خرج دهیم می‌بینیم که چقدر صدای زیبای این پیامبر خدا، حالت تعالی و عرفانی داشته که

برای هدایت و تربیت معنوی مردم به کار می‌رفت و در واقع پیام الهی را از این طریق به گوش انسانها می‌رساند که حتی پرندگان نیز برای تسبیح خدای باریتعالی با او همراه می‌شدند.

گفتنی است که تمام انبیای عظام صوت زیبا و دلکشی داشته‌اند، فقط حضرت داود (ع) میان همه آنان مشهور بود. به قول غزالی «جهیر الصوت و احسن الناس نغمه»^۷ بود.

تکته : قابل ذکر است که هرگونه آواز خوش نیز حلال نیست، بلکه اگر آواز خوش حتی با محتوای غیرحرام، توأم با مجالس افراد هرزه و فاسق، یا همراه با ابزار و آلات لهو باشد، مطلقاً حرام خواهد بود.

صوت زیبا از دیدگاه روایات

تمام اقسام موسیقی شامل آواز و نغمات متناسب و موزون و زیبایی هستند که بهترین آنها موسیقی طبیعت است. مانند صدای آبشار، چهچه بلبلان، وزش باد و... اگر قرار باشد که صوت زیبا حرام باشد، پس کلاً باید خود نغمات طبیعت را العیاذبالله بر خلاف حکمت الهی بدانیم؛ در حالی که چنین نیست. خود صوت موزون و متناسب از دیدگاه شارع مقدس حرام نیست؛ به عنوان مثال، در مورد قرائت موزون و جذاب قرآن کریم، اذان، مناجات، مراثی و مداحی اهل بیت (ع) سفارشات متعددی شده است.^۸ یا سرودهای ویژه‌ای که در اعیاد اسلامی همچون عید فطر و قربان اجرا می‌شود صورت تکاملی از آهنگ خوش و موسیقی در اسلام است.

علی بن جعفر از امام و برادرش موسی بن جعفر علیهما السلام پرسید: «آیا آواز خواندن در اعیاد قربان و فطر و ایام جشن و شادی دیگر جایز است؟ امام فرمود: «لا بأس به ما لم یزمر به»^۹ یا در بعضی از نسخه‌ها آمده است که امام فرمود: ما لم یعص به؛ یعنی اگر در آن نوازندگی یا معصیت نباشد، اشکالی ندارد.

از امام صادق (ع) روایات شده است که هیچ پیغمبری مبعوث نگردیده، مگر اینکه دارای صوت زیبا بوده است.^{۱۰}

پیامبر اکرم (ص) در این باره نیز فرموده‌اند:

«لم يعط امتی اقل من ثلاث: الجمال و الصوت الحسن و الحفظ.»^{۱۱}

یعنی به امت من کمتر از سه چیز عطا نشده است: زیبایی، صوت زیبا و حافظه. و باز از آن حضرت نقل شده است که از زیباترین زیباییها، نغمه و آواز خوش است.^{۱۲}

امام سجاد (ع) خوش آواز ترین مردم در قرائت قرآن کریم بود، به طوری که سقاها هنگام عبور از کنار خانه می ایستادند و قرآن خواندن ایشان را گوش می دادند و امام باقر (ع) نیز خوش آواز ترین مردم بود.^{۱۳}

امام کاظم (ع) می فرمودند:

«حضرت علی بن الحسین (ع) قرآن می خواندند و چه بسا افرادی که بر او می گذشتند و از آواز او مدهوش می شدند و اگر امام چیزی از آواز خوشش را آشکار کند مردم طاقت استماع آن را ندارند. رسول خدا (ص) به اندازه تحمل و طاقت آنانکه پشت سرش بودند آوازش را بلند می فرمود.»^{۱۴}

غنا از دیدگاه فقها

مفهوم غنا از دیدگاه فقهای عظام زیاد از هم متمایز نیست؛ تقریباً همه آنها به یک نتیجه یکسان رسیده‌اند؛ زیرا که تمام آنان با احکام شرعی سر و کار دارند که برخی از این احکام، توسط شارع مقدس وضع شده و ثابتند مانند: وجوب نماز و حج و اجرای عدالت و... که تا قیامت قابل تغییر و تبدیل نیستند و تحت تأثیر مقتضیات زمانی و مکانی نیز قرار نمی گیرند.

اما دسته ای دیگر از احکام شرعی نیز وجود دارند که موضوعات آنها، تحت تأثیر مقتضیات زمانی قرار گرفته و با توجه به عرف، تبیین و تفسیر می‌شوند؛ مانند موسیقی.

متخصصان فقهی و دینی، در مورد موسیقی یک نظر مشترک ارائه داده‌اند و آن اینکه موسیقی مطرب حرام است. حتی اگر زن و شوهر هم برای همدیگر به طرز مطربانه خوانندگی و نوازندگی کنند، حرام است.

حال به دیدگاه برخی فقهای عظام در این مورد اشاره می‌گردد:

شیخ انصاری در مورد غنای حرام این چنین می‌گوید: «صوت باید لهوی و از الحان مختص اهل فسوق باشد. پس در غیر این صورت از غنای حرام محسوب نخواهد شد و تشخیص این معیار هم به دست مردم و عرف است؛ یعنی اگر عامه مردم، صوتی را لهوی و مناسب با مجالس گناه و فسق تشخیص دادند، غناست اما اگر صوتی را لهوی تشخیص ندادند، پس غنا نیست و حرام هم نخواهد بود.»^{۱۵}

مرحوم فیض کاشانی نیز غنا را ذاتاً حرام نمی‌داند. بلکه نظر بر این دارد که، اگر همراه با آلات لهو باشد حرام خواهد بود. ایشان در این باره می‌گویند:

«والذی یتظهر من مجموع الاخبار الواردة فيه اختصاص حرمة الغنا ... بما كان على النحو المعهود المتعارف في زمن بني أمية و بني عباس من دخول الرجال عليهم و تكلمهم بالباطل و لعبهم بالملاهي من العیدان و القصب و غیرها.»^{۱۶}

یعنی از مجموع اخبار وارد شده چنین حاصل می‌شود که غنا در صورتی حرام است که به نحو متعارف زمان بنی‌امیه و بنی‌عباس اجرا شود؛ یعنی مجالس مختلط باشد، محتوا باطل و با اسباب و آلات لهو مانند تار و نی و ... همراه باشد.

اعتقاد سیدمحمدابراهیم بحرانی، مشهور به ماجد بر این است که باید تفصیلاً میان غنای لهوی و غیر لهوی فرق گذاشت و این نظریه را به دیگر علما نسبت می‌دهد.

او می‌گوید: «ما و تمام علمایی که نظر به تفصیل داریم درباره موضوع غ می‌گوییم: آهنگهای لهوی و غنای ممنوع شده عبارتند از کنیزکانی که در دور بنی‌امیه و بنی‌عباس صدای خوش از خود در می‌آوردند و مردان فاسق آنها را با دایره و دف و ... همراهی می‌کردند ...»^{۱۷}

امام خمینی (ره) یک تعریف کلی برای غنا ارائه داده‌اند و آن اینکه: «فالاولی تعریف الغنا بانه صوت الانسان الذی له رقه و حسن ذاتی و لو فی الجملة و له شأنیه ایجاد الطرب متناسبه لمتعارف الناس.»^{۱۸}

یعنی برای تعریف غنا اولی این است که گفته شود، شامل صدای نازک انسانی است که ذاتاً زیباست و لو در یک جمله باشد و شأنش ایجاد طرب برای مردم معمولی است.

معنای لغوی و اصطلاحی طرب

در این قسمت طرب را از دیدگاه اهل لغت بررسی می‌کنیم:
این اثیر می‌گوید:

«يقال : طربت عن الطريق، ای عدلت عنه.»^{۱۹}
یعنی از راه راست منحرف شدم و از طریق اصلی برگشتم.
شرتونی در باب تعریف طرب چنین می‌نویسد:

«فرح و قیل الطرب خفه تلحکک تسرک وقیل تحزنک وتخصیصه بالفرح وهم.»^{۲۰}
طرب یعنی فرح و شادی یعنی یک حالتی که در اثر آن به انسان سرور و فرح دست می‌دهد و فرد را دستخوش احساسات می‌نماید. پس طرب یک نوع سبکی عقلی و شخصیتی است که در اثر استماع غنای لهوی به انسان عارض می‌شود و تنها به فرح و شادی اختصاص ندارد بلکه شامل حالت اندوه و حزن نیز می‌شود.

پس با توجه به مطلب بالا طرب هم شامل فرح و هم شامل حزن می‌شود که در هر دو حالت عنان اختیار را از دست مستمع می‌رباید و او را تحت تأثیر قرار

می‌دهد، به طوری که در حالت شادی، شخص به رقص و پایکوبی و حرکات سبک دست می‌زند و در حالت غم نیز به اضطراب و دل مشغولی مبتلا می‌شود که در هر دو صورت غناست.

نگارنده نظر بر این دارد که نوع شعر موسیقی یا شکل ظاهری خواننده یا محیطی که در آن آهنگ پخش می‌گردد (از لحاظ سالم بودن یا آلودگی)، در ایجاد طرب می‌تواند نقش مهمی داشته باشد. و اگر مشاهده می‌کنیم که ائمه اطهار (ع) در زمانهای بنی‌امیه و بنی‌عباس غنا را به طور کلی ممنوع فرموده‌اند، به علت آلوده بودن محیط فرهنگی آن زمان بوده است.

در این مورد به یک داستان تاریخی اشاره می‌گردد:

ابو الفرج اصفهانی نقل می‌کند که جوانی خواستگار دختر عموی خود بود. روزی با وی وعده دیدار کرد. آن جوان پیش فلیح بن العوراء (یکی از آواز خوانان و آهنگ سازان و نغمه پردازان عصر هارون الرشید) رفت خواهش کرد که به منزل او برود و برای میهمانش آوازی بخواند، تا بدین وسیله از محبوب خود پذیرائی کرده باشد! فلیح که مردی عالم و جا افتاده بود، تصمیم گرفت شعر و آهنگی متناسب آنها برگزیند تا آن دو را سر عقل بیاورد در نتیجه آنان کار عاشقانه را عاقلانه و از راه درست به انجام رسانند. آن‌گاه این شعر را خواند:

«آن دختران با شرم و حیا موجب تنگ و عار برادران و پدران خود نشدند.»

«و قلبم از وصال محبوب ارزان قیمت بیزار است و در پی کسی می‌گردد که وقار و شخصیت داشته باشد و بهایی گران تقدیم کند تا بد گمانی را از خود دور کنم.»

دختر به محض اینکه آواز فلیح را شنید به فکر فرو رفت و از جا بر خاست. چادر خود را برداشت و بر سر کرد و از خانه بیرون رفت. آن جوان فلیح را مذمت کرد که چرا این اشعار و این آهنگ را اجرا کردی؟! چیزی نگذشت که فرستاده دختر آمد و گفت: دختر عمویت این هزار دینار را فرستاده و می‌گوید این مهریه من

است. بی آنکه کسی بداند برای پدرم بفرست و مرا از او خواستگاری کن و او چنین نمود و با دختر عمویش ازدواج کرد.^{۲۱}

غناي عروسی از دیدگاه فقها

آیا در غنای عروسی فقط استفاده از خود غنا مجاز است یا استفاده از آلات موسیقی و رقص و پایکوبی و دست زدن نیز جایز است یا خیر، در این مورد به دیدگاه برخی فقها اشاره می‌کنیم:

علامه حلی در باب شهادت می‌نویسد: «دف زدن در عروسی و ختان اشکالی

ندارد.»^{۲۲}

شهید اول در الدرر السعیه از علامه پیروی کرده است.^{۲۳}

در کلام برخی فقهای دیگر نیز جواز موسیقی را مشاهده می‌کنیم؛ مثلاً شهید ثانی می‌گوید: «خوانندگی زن در عروسی با استفاده از دایره بدون حلقه جایز است.»^{۲۴} مرحوم شهید ثانی می‌فرمایند: «عده‌ای از علما از جمله شهید اول در (دروس) خوانندگی زن را در عروسی مجاز شمرده، به شرط اینکه به باطل سخن نگوید و از آلات ضرب و لهو استفاده نکند.»^{۲۵}

مرحوم ابن برآج نیز می‌فرماید: «أجر المغنیات فی العرائس اذا لم یغنین بالباطیل و الضرب.»^{۲۶}

یعنی مزد زنان خواننده در عروسیها اشکالی ندارد، به شرط اینکه به باطل سخن نگوید و همراه با نوازندگی نباشد.

تذکر: هر چند غنای شب عروسی مستثنا شده است، اما اگر این نوع غنا نیز همراه با لهو و فسق و فجور و ابتذال و رفتارهای ضد دینی و ضد ارزشی و دارای محتوای باطل باشد در همه حال حرام خواهد بود، چه شب عروسی و چه غیر آن. فقط تک خوانی زنان در مجالس عروسی با شرایط خاص جایز شمرده شده است،

یعنی مجلس فقط مختص زنان باشد و خوانندگی متناسب با مجالس فاسقان و گناهکاران نباشد.

صاحب جواهر نیز می‌فرمایند: «عده‌ای نیز به صراحت گفته‌اند که استفاده از دایره بدون حلقه و زنگوله در عروسی جایز است.»^{۲۷}

صاحب ریاض نیز جواز دف زنی در عروسی و ختان را ترجیح داده و نوشته است: «چون قایل شدن به جواز، از نظر فتوی و عمل مشهور است.»^{۲۸}
شیخ طوسی در این باره می‌فرماید:

« فالوجه فی هذه الاخبار الرخصة فیمن لا تتکلم بالباطیل و لا تلعب بالملاهی من العیدان و اشباهها و لا بالقصب و غیره ... »^{۲۹}

این اخبار و روایات بدین شرط غنای شب عروسی را مجاز شمرده‌اند که به باطل سخن گفته نشود و با آلات لهو و نوازندگی مانند: تار و نی و شبیه آن همراه نباشد.

مرحوم شیخ طوسی در باب شهادت می‌نویسد: «دایره زدن در مراسم عروسی و ختنه مکروه است.»^{۳۰}

اما ایشان نظر بر این دارند که: «در نزد ما دف زدن در مراسم عروسی و ختان مکروه است، ولی اگر کسی مرتکب آن شود، شهادتش رد نیست؛ اما در غیر عروسی و ختان، حرام است.»^{۳۱}

در جای دیگر نیز می‌گویند:

«زنان آواز خوان در صورتی مجاز به خواندن آواز هستند که نامحرمی وارد مجلس آنان نشود و به باطل زبان نگشایند و از ابزار آلات سرگرمی همچون نی و ... اجتناب نمایند. زنی که عروس به حجله می‌برد می‌تواند شعر و آواز بخواند، ولی باید از گفتار و سخن باطل دوری کند. در صورتی که این موازین را رعایت نکنند چه در مجالس عروسی یا غیر آن، حق آواز خوانی را نخواهد داشت.»^{۳۲}

سید محمد جواد عاملی، این قول را به جماعتی نسبت داده و گفته است: «منظور ما از ملاحی، چیزهایی است که استفاده آن در عروسی مجاز نیست. بنابراین استعمال دف بدون سنج و زنگوله در مراسم عروسی به نظر جماعتی جایز است؛ ولی به نظر ما حرام است. در مورد رقص و دست زدن هم هیچ یک از اصحاب بحث نکرده‌اند.»^{۳۳}

در اینجا سؤالی مطرح است که آیا غنا فقط در شب عروسی جایز است یا اعم از مجالس شب و روز عروسی یعنی مقدمه و مؤخره که به دلیل آن بر گزار می‌شود نیز جایز است؟

امام خمینی (ره) در این مورد می‌فرماید: «نعم قد یستثنی غناء المغنیات فی الاعراس و هو غیر بعید و لا یترک الاحتیاط بالافتقار علی زفّ العرائس و المجلس المعد له مقدماً و مؤخرأ لا مطلق المجلس.»^{۳۴}

یعنی از موارد استثناء غنا، خوانندگی در مجالس عروسی است و مسئله غریب و بعیدی نیز به نظر نمی‌رسد، اما فقط باید به شبهای عروسی و مجالس مقدمه و مؤخره آن اکتفا کرد و در غیر مجالس عروسی جایز نیست.

حکم کل زدن و هلله

اصواتی که بدون کلام از حنجره انسان خارج می‌شوند، مانند: کل زدن و هلله جزء موارد غنا محسوب نمی‌شوند؛ چون، قبلاً نیز گفته شد که غنا از مقوله صوت است و برای تحقق آن به ترکیب الفبا نیازی نیست. اما برخی فقهاء نیز در این مورد نظریات و دیدگاههای خاص خودشان را دارند که به اختصار اشاره می‌شود:

صاحب جواهر می‌فرماید: «هلله ظاهراً مانع ندارد؛ چون صوت غیر لفظی است،

در حالی که غنا از مقوله الفاظ است.»^{۳۵}

یعنی صاحب جواهر نظر بر این دارد که این‌گونه اصوات حرام نیستند؛ چون نام غنا بر آنها صدق نمی‌کند و نیز آنها را به عنوان غنا نمی‌شناسد. اما اگر نام غنا بر آنها صادق باشد و صفت لهوی بر آنها حمل شود، نتیجتاً حرام خواهد بود.

مرحوم سید جواد عاملی نظر بر این دارد که از باب احتیاط در غیر حال جنگ از رقص و هلله و هورا کشیدن پرهیز شود؛ بلکه شاید حرام نیز باشد. چون یا شامل مصادیق لهو است یا مصادیق باطل و اهل احتیاط، از شبهات پرهیز می‌کنند.^{۳۶}

رقص و کف زنی

در مورد رقص و دست زنی هیچ مدرک و شاهد قرآنی بر حرمت آنها در دسترس نیست. اما روایاتی در نهی از رقص کردن وجود دارد که به آنها اشاره شده و مستثنیات آن نیز بیان خواهد شد.

اینک به نمونه ای از روایات اشاره می‌شود:

۱- قال الصادق (ع): «انهاکم عن الزفن.»

امام صادق (ع) فرمود: شما را از رقصیدن نهی می‌کنم.^{۳۷}

۲- عن النبی (ص): «انه نهی عن الضرب بالدف و الرقص و عن اللعب کله و عن حضوره و عن الاستماع الیہ و لم یجز ضرب الدف الا فی الاعراس و الدخول بشرط ان تكون فی البکر و لا تدخل الرجال علیهن.»^{۳۸}

از نبی اکرم (ص) روایت شده است که آن حضرت از دایره زدن و رقصیدن و از همه انواع لعب و از حضور در محافل لعب و گوش دادن به آن نهی فرمودند. و دایره زدن را جزء در مراسم عروسی اجازه ندادند؛ آن هم به شرط عدم ورود مردان.

این روایت از نظر سند مرسل است و از نظر دلالت در کراهت ظهور دارد؛ زیرا که طبق این روایت، حضرت از همه انواع لعب نهی فرموده و می‌دانیم که همه انواع لعب حرام نیست.^{۳۹}

اما در مورد حرمت رقصیدن باید گفت که:

اولاً - جزء مصادیق لهو و بیهوده باشد.

ثانیاً - با محرّمات دیگر مقارن باشد. مانند غنا و موسیقی حرام، مجالس فسق و

فجور، مجالس مردانه و زنانه و... در غیر این صورت برای رقصیدن استثنایی وجود

خواهد داشت و آن عبارت است جواز رقصیدن زن (بدون طرب) برای شوهرش. درباره حرمت دست زدن نیز هیچ نوع مدرکی در دست نیست. فقط در قرآن کریم یک آیه داریم که مشرکان در کنار حرم الهی در حین برگزاری نماز به سوت زنی و کف زنی می‌پرداختند. متن آیه شریفه چنین است:

« وَمَا كَانَ صَلَاتُهُمْ عِنْدَ الْبَيْتِ إِلَّا مُكَاءً وَتَصْدِيَةً فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ. »^{۴۰}

خداوند متعال در این آیه شریفه می‌فرماید: «دعا و پرستش مشرکان قریش نزد خانه خدا جز سوت زدن و دست بر دست کوفتن نبود. پس آن عذاب را بسزای آنکه پیوسته کفر می‌ورزیدید بچشید.»

مضرات موسیقی لهوی از دیدگاه شرع

آیا تا حال از خود سؤال کرده‌ایم که چرا شارع مقدس و به تبع آن فقهای عظام و جامعه مذهبی نسبت به موسیقی لهوی نظر منفی دارند؟ شاید پاسخ این سؤال در نظر برخی چنین باشد که دین اسلام فقط دین گریه و حزن و اندوه است و با شادی مخالف.

اما حقیقتاً این چنین نیست. بلکه در نظر شارع مقدس، برای حرمت موسیقی مبتذل حکمت‌هایی وجود دارد؛ زیرا که خداوند علیم و حکیم، تمام قوانینش را بر اساس مصالح و مفاسد بندگانش وضع فرموده و نسبت به هدایت و سعادت و آرامش دو سرای آنان بسیار مشتاق است.

اکنون به برخی از مضرات آن از دیدگاه شرع مقدس اشاره می‌شود:

۱- یکی از مضرات بارز غنا از دیدگاه شرع این است که، اعتدال و متانت عقل را زیر سؤال می‌برد. بدین شکل که در حالت پخش، شخص چنان مشغول نشاط و خیال و احساس است که عقل میدان را ترک می‌کند؛ یعنی به اصطلاح عقل به خواب می‌رود و دیگر فرمان نمی‌دهد، بلکه فرمان به دست احساس و خیال می‌افتد.

۲- غنای مطرب، غیرت و شرم آدمی را تضعیف می‌کند؛ یعنی باعث تحریک شهوات نفسانی (جنسی) و اشاعه فساد و فحشاء می‌شود.

۳- خدای باری تعالی به اهل غنا به دیده لطف نمی‌نگرد و در این مورد امام صادق (ع) فرمود: «... ذاک مجلس لا ینظر الله عزو جل الی اهلہ؛ یعنی مجلس اهل غنا، مجلسی است که خداوند عزوجل به اهل آن نمی‌نگرد.»^{۴۱}

۴- غنا باعث تحریک حالت نفاق و نیز عامل فقر است. به فرموده امام صادق (ع): «الغنا یورث النفاق و یعقب الفقر؛ یعنی غنا باعث نفاق و موجب فقر است.»^{۴۲}

عمر بن عبد العزیز به یکی از دوستانش نوشت: ابزار غنا و گوش دادن به ساز و آواز و سر گرمی و مشغول شدن به آنها در دل انسان نسبت به حق و دین تردید ایجاد می‌کند، همچنانکه آب، باعث رشد علوفه می‌شود.^{۴۳} یا در جای دیگر آمده است که یزید بن ولید در رهنمود خود به بنی‌امیه می‌گفت:

«یا بنی امیه ایاکم و الغنا فانه ینقص الحیا و یزید فی الشهوه و یهدم المروده و انه لینوب عن الخمر و یفعل، ما یفعل الکسر فان کنتم لابد فاعلین فجنبوه النساء فان الغنا داعیه الی الزنا.»^{۴۴}

یعنی ای بنی‌امیه! از غنا فرار کنید؛ زیرا: «شرم و حیاء» را از بین می‌برد، شهوت را تحریک می‌کند، «مروت» آدمی را نابود می‌کند و به جای شراب عمل می‌کند؛ یعنی عقل انسان را از کار می‌اندازد، از من بشنوید آن را کنار بگذارید و اگر نمی‌توانید از آن دست بردارید حداقل زنان خود را از این مجلس پرهیز دهید؛ زیرا غنا زمینه روی آوردن به فساد و فحشاء را فراهم می‌کند.

موسیقی مطرب اصلاً فطرت خدایی بشر را به هم می‌زند. حضرت علی (ع) در این باره نقل می‌کند که پیامبر (ص) فرمود: «گروهی از امت من به شکل میمون و گروهی به شکل خوک درآیند، عده‌ای به زمین فرو روند و بر عده‌ای باد تند و مهلک بوزد. همه اینها بدین جهت است که آنان شراب می‌نوشیدند و لباسهای

ابریشمی بر تن می‌کردند و زنان آوازه خوان را به خدمت می‌گرفتند و با ابزار و آلات موسیقی می‌نواختند.»^{۴۵}

بر اساس حدیث فوق، غنا موجب مسخ جمعی از امت آخرالزمان می‌شود. اما با توجه به اینکه در برخی از روایات آمده که برای امت آخرالزمان مانند امتهای پیشینیان مسخ نخواهد بود پس این نوع مسخ با احتمال زیاد باید مسخ درونی باشد نه بیرونی.^{۴۶}

۵- موسیقی، گرایش به عشق و عاشقی کوچه بازاری را در وجود انسان تقویت می‌کند و با این مقدمه فاسد می‌تواند او را به شرابخواری و ناپاکی و هوسرانی و... سوق دهد و یک نوع انرژی منفی در او به وجود بیاورد که حتماً باید خالی شود و طبیعتاً این تخلیه درون با اعمال رفتارها و حرکات منفی، عملی خواهد شد.

۶- موسیقی طرب انگیز، انسان را به یک فرد بی‌طرف و لابلایی و تنبل تبدیل می‌کند؛ یعنی یک نوع بی‌مسئولیتی نسبت به خود و محیطش به وجود می‌آورد که بود و نبود یا آبادانی و خرابی برای او چندان تفاوتی نخواهد داشت.

سخنی با خواننده

همه ما ایرانیان اعم از باسواد و بی‌سواد، پیر و جوان، دختر و پسر باید به سلاح ایمان و وطن پرستی مسلح شویم تا از فرهنگ اصیل ایرانی - مذهبی و احساسات و عواطف مقدسمان در این عصر بحرانی، که کشورهای غربی از هر طرف می‌خواهند کیان و فرهنگ ما را مورد حمله قرار دهند، حراست و حفاظت کنیم و باور داشته باشیم که دشمن هیچ وقت قصد خدمت به طرف مقابلش را نخواهد داشت به قول استاد سخن سعدی شیرازی که: « نصیحت از دشمن پذیرفتن به خطاست. ولیکن

شنیدن رواست تا به خلاف آن کار کنی و آن عین صوابست. »^{۴۷}

هدف غرب این است که ارزشهای فرهنگی ما مسلمانان را از طریق کانالهای مختلف مانند ماهواره، اینترنت، رمانهای عاشقانه، کاستها، سیدیها، مجلات مبتذل و دهها وسایل و ابزار دیگر برای گمراه کردن چندین میلیون نفر نسل جوان کشورمان مورد غارت قرار دهد. پس در برابر این سیل ویران کننده، فرهنگ و هنر خود را با نهایت دقت و با کیفیت متعالی چنان غنی کنیم تا خلأ فرهنگی و هنری کشورمان پر شود و در این باره نباید غفلت کنیم که در غیر آن صورت به جای ترقی و تعالی به مراحل اسفل السافلین تنزل خواهیم کرد. یکی از هنرهایی که همیشه و همه حال در معرض یغما و غارت دشمنان بوده و می‌باشد، هنر موسیقی است که از مؤثرترین و مهم‌ترین امور به حساب می‌آید؛ زیرا که یک قطعه آهنگ در حین بخش، ایفای نقش می‌کند و قادر است مستمع را با تحریک هیجانات و احساساتش به هر سو که می‌خواهد بکشانند. **در مورد موسیقی باید صراحتاً گفت که زمینه این هنر، برای تجارت و ابتذال مهیاتر از سایر هنرهاست.**

در دنیای امروز، دیگر از تبلیغات مستقیم چندان استفاده نمی‌شود، بلکه زبان هنر مؤثرترین و سریع‌ترین راه تبلیغ است که می‌تواند مردم را به هر زبان که باشند، تحت تأثیر قرار دهد. پس حضور موسیقی و تأثیرات آن را به عنوان سلاح مؤثر، نباید نادیده انگاشت و با عنایت پروردگار متعال و تلاش بی وقفه فقهای عظام در جهت تبیین و تفسیر مواضع همه جانبه موسیقی، باید دل و دین را از اسارت در دام خطرناک شیطان حفاظت کرد؛ زیرا که نظامهای استکباری و استعماری، فقط موسیقی مخرب و تخدیر کننده (شیطانی و مبتذل غربی) را به خورد مردم جهان می‌دهند و دور از انصاف است که این نوع را با هنر ارزشمندی به نام موسیقی تلفیق کرد.

هر چند در میان مردم عامه، هر وقت سخن از موسیقی به میان می‌آید لَهو و لعب و فساد به ذهن خطور می‌کند و به عنوان محرک منفی تلقی می‌شود، اما متأسفانه این ایده اشتباه است؛ زیرا که :

الف) موسیقی مبتذل رذیلت می‌آورد و موسیقی متعالی فضیلت .

ب) موسیقی مبتذل از خود بیگانه می‌کند و موسیقی متعالی با خود آشنا می‌کند.

ج) ارمغان موسیقی مبتذل شهوت است و موسیقی متعالی عشق پاک ..

د) ارمغان موسیقی مبتذل تخریب است و موسیقی متعالی تعمیر .

ذ) موسیقی مبتذل مخل اعصاب و روان است و موسیقی متعالی مسکن اعصاب و روان .

نتیجه

در متن قرآن کریم و سخنان ائمه اطهار (ع) و روایات وارد شده از ایشان در باب حرمت غنا مشاهده کردیم که علت حرمت بدین جهت بوده که در دستگاه خلافت عصر هر امام معصوم (ع) فقط از موسیقی و ابزار و آلات آن برای فساد و لهو و لعب استفاده می‌شد و شعر و شاعری نیز فقط برای مدح و ستایش اربابان ظالم و ستمکار به کار می‌رفت و به همین علت بود که ائمه اطهار (ع) غنا را به طور مطلق تحریم کرده بودند و الا از دیدگاه خود قرآن کریم صوت زیبا حسن و نیکو شمرده شده است که در آیاتی از قرآن کریم به صدای زیبا و دلنشین حضرت داود (ع) اشاره شده است که پرندگان نیز با او همصدا می‌شدند.^{۴۸} و با این حساب مشخص است که صوت بد و منکر و زشت مورد تأیید خداوند متعال نیست؛ چرا که در آن موقع این آیه شریفه را نمی‌فرمود: « **إِنَّ أَكْرَعَ الْأَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَمِيرِ** ».^{۴۹}

غنایی که بر هم زننده تعادل جسم و روح و عقل باشد از دیدگاه قرآنی و فقهی و علمی حرام و مذموم است؛ اما تشخیص اینکه کدام موسیقی، غنایی و مطرب است امر بسیار مشکل و پیچیده‌ای است؛ زیرا که از جانب شرع مقدس فقط نهی صریح بر اجتناب از لهو و لعب و لغو وارد شده است و مستقیماً از موسیقی و غنا نام برده نشده است تا بتوان بر اساس آن حکم صریح صادر کرد. بنابراین در مورد موسیقی

مد نظر داشتن ضمیر اشخاص و عکس المعلاها و برداشت آنان و همچنین عرف (آنچه در عرف، غنا به شمار بیاید حرام و آنچه غنا به حساب نیاید رواست و موارد مشکوک به مباح می پیوندد؛ زیرا اصل، حرام نبودن است) مسئله مهمی است، یعنی میزان تأثیرگذاری و عوارض سوء آن بر روح و روان آدمی معیار است. پس حساب موسیقی پویا و بالنده از موسیقی بیمار مبتذل، که طرفداران و شنوندگانش را سرانجام یا به تیمارستانها می فرستد و یا به منجلاب تباهی می کشاند کاملاً جداست.

اما در عصر حاضر چاره‌ای نیست مگر اینکه برای جلوگیری از ترویج موسیقی مبتذل و شیطانی باید موسیقی اصیل و سنتی و فولکلوریک (محلی) همراه با موسیقی خلاق در چارچوب موازین شرعی و عقلی ارائه شود؛ زیرا اگر موسیقی به روز نباشد تدریجاً دچار رکود و انحطاط می‌گردد و مردم به آهنگهای ناهنجار روی می‌آورند و در این باره لازم است که افراد ذیصلاح، دست اندرکاران این امر مهم باشند تا از روی دلسوزی و تعهد به ملت و نظام و دین با عملکرد صحیح از موسیقی، پیامهای مثبت را به جامعه ارائه دهند و از افراط و تفریط پرهیز کنند و آگاهیهای لازم را برای مردم بالاخص جوانان در مورد آموزش صحیح موسیقی تحویل دهند و جوانب احتیاط در مورد موسیقی و آلات آن را کاملاً رعایت کنند و علل حلیت و حرمت غنا و موارد آن را برای مردم و جامعه به واسطه کارشناسان دینی و فقهای عظام تعریف نمایند و در کنار این خدمات، خلاقیت در هنر موسیقی اصیل را برای جوانان تأکید کنند و آن را به عنوان یک هنر مورد حمایت قرار دهند.

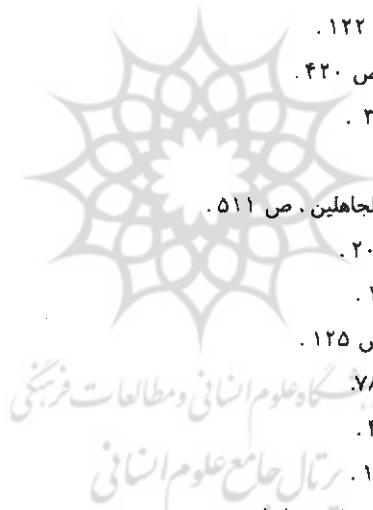
در آخر باید گفت که می‌توان عشق و ارادت به ساحت مقدس چهارده نور پاک معصومین (ع) را از طریق همین موسیقی مجاز و مفید اظهار نمود؛ چنان که اهل یثرب (مدینه) هنگام ورود وجود مقدس حضرت خاتم الانبیاء (ص) به آن شهر با دف زنی و شعر خوانی خود چنین عمل نمودند.

پس آهنگی که انسان را از نری به نریا و از فرش به عرش برساند قطعاً از دیدگاه عقل و علم و شرع اشکالی نخواهد داشت.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

یادداشتها



گروه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 رتال جامع علوم انسانی

- ۱- سوره مبارکه لقمان ، آیه ۶ .
- ۲- تفسیر المیزان ، ج ۱۶ ، ص ۳۱۶ .
- ۳- سوره زمر ، آیه ۱۸ .
- ۴- غرر الحکم ، ج ۲ ، ص ۵۱۶ .
- ۵- سوره مبارکه سبأ ، آیه ۱۰ .
- ۶- تفسیر نمونه ، ج ۱۸ ، ص ۲۷ .
- ۷- احیاء علوم الدین ، ج ۳ ، ص ۳۶۷ .
- ۸- اصول کافی ، ج ۴ ، ص ۴۲۰ ، حدیث ۱۱ .
- ۹- بحار الانوار ، ج ۷۶ ، ص ۱۲۲ .
- ۱۰- اصول کافی ، ج ۴ ، ص ۴۲۰ .
- ۱۱- مکاسب محرمه ، ص ۳۶ .
- ۱۲- الوافی ، ج ۳ ، ص ۳۵ .
- ۱۳- ایقاظ النائمین و ایعاظ الجاهلین ، ص ۵۱۱ .
- ۱۴- مکاسب محرمه ، ص ۲۰۲ .
- ۱۵- النهایه ، ج ۳ ، ص ۱۱۷ .
- ۱۶- اقرب الموارد ، ج ۲ ، ص ۱۲۵ .
- ۱۷- بشنو شمیم عود ، ص ۷۸ .
- ۱۸- ایضاح ، ج ۴ ، ص ۴۲۳ .
- ۱۹- دروس ، ج ۳ ، ص ۱۶۲ .
- ۲۰- شرح لمعه ، ج ۱ ، ص ۲۷۲ به نقل از دروس .
- ۲۱- شرح لمعه ، ج ۱ ، ص ۲۷۲ .
- ۲۲- المهذب ، ص ۱۳۲ .
- ۲۳- جواهر الکلام ، ج ۲۲ ، ص ۴۹ .
- ۲۴- ریاض المسائل ، ج ۲ ، ص ۴۳۰ .
- ۲۵- استبصار ، ج ۳ ، ص ۶۲ .
- ۲۶- خلاف ، ج ۳ ، ص ۳۴۵ .
- ۲۷- مبسوط ، ج ۸ ، ص ۲۲۲ .
- ۲۸- استبصار ، ج ۳ ، ص ۴۳ .
- ۲۹- مفتاح الکرامه ، ج ۳ ، ص ۵۳ .

- ۳۴- تحریر الوسيله ، ج ۱ ، ص ۴۲۸ .
- ۳۵- جواهر الكلام ، ج ۲۲ ، ص ۵۱ .
- ۳۶- مفتاح الكرامه ، ج ۴ ، ص ۵۴ .
- ۳۷- وسائل الشيعه ، ج ۱۷ ، ص ۲۱۴ و اصول كافي ، ج ۶ ، ص ۴۳۲ .
- ۳۸- عوالي اللئالی ، ج ۱ ، ص ۲۶۰ و مستدرک الوسائل ، ج ۱۳ ، از چاپ جديد ، ص ۲۱۸ و ج ۲ ، ص ۴۵۸ از چاپ قديم .
- ۳۹- موسیقی و غنا در آینه فقه ، درس خارج فقه آیت ... مروّجی ، ص ۱۲۰ .
- ۴۰- سوره مبارکه انفال ، آیه ۳۵ .
- ۴۱- وسائل الشيعه ، ج ۱۷ ، ص ۳۱۲ .
- ۴۲- وسائل الشيعه ، ج ۸ ، ص ۷۵ .
- ۴۳- همان منبع .
- ۴۴- الغدير ، ج ۸ ، ص ۷۵ .
- ۴۵- الدر المنثور ، ج ۲ ، ص ۳۲۴ .
- ۴۶- همان منبع .
- ۴۷- گلستان سعدی ، ص ۱۷۲ .
- ۴۸- سوره مبارکه سبأ ، آیه ۱۰ .
- ۴۹- سوره مبارکه لقمان ، آیه ۱۹ .

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

- ۱- قرآن کریم
- ۲- احیاء علوم الدین - امام محمد طوسی غزالی (ابو حامد) - با ترجمه مؤید الدین محمد خوارزمی - به کوشش حسین خدیو - انتشارات علمی و فرهنگی - ۱۳۶۴ ش .
- ۳- الاستبصار - محمد بن حسن طوسی (شیخ الطائفه) - دار الصعب و دار التعارف - بیروت - ۱۹۹۲ م .
- ۴- اصول کافی - محمد بن یعقوب کلینی رازی - ترجمه و شرح محمد باقر کمره ای - انتشارات اسوه - تهران - ۱۳۷۲ ش .
- ۵- اقرب الموارد - سعید الخوری شرتونی - کتابخانه آیت الله مرعشی - قم - ۱۴۰۳ ق .
- ۶- ایضاح الفوائد فی شرح القواعد - فخر الدین ابی طالب محمد حلی (فخر المحققین) - با تحقیق موسوی کرمانی و علی پناه اشتهاوردی - قم - بی تا - ۱۳۸۹ ق .
- ۷- ایقاظ النائمین و ایعاض الجاهلین - سید ماجد بحرانی کاشانی - تحقیق علی مختاری - میراث فقهی غنا و موسیقی - دفتر اول - ۱۳۷۶ .
- ۸- بحار الانوار - محمد باقر مجلسی - مؤسسه الوفاء - چاپ دوم - بیروت - ۱۴۰۳ ق .
- ۹- بشنو شمیم عود (تلخیص و باز نویسی کتاب الاغانی) - به کوشش اکبر ایرانی - چاپ دوم - مؤسسه فرهنگی اهل قلم - تهران - ۱۳۸۲ ش .
- ۱۰- تحریر الوسیله - روح الله الموسوی خمینی (ره) - جامعه مدرسین قم - ۱۳۶۶ ش .

- ۱۱- تفسیر المیزان - علامه سید محمد حسین طباطبائی - ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی - دفتر انتشارات اسلامی - وابسته به جامعه مدرسین حریم علمیه قم .
- ۱۲- تفسیر نمونه - آیت الله ناصر مکارم شیرازی - دار الکتب الاسلامیه - تهران - ۱۳۵۳ الی ۱۳۶۶ ش .
- ۱۳- جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام - محمد حسن نجفی - دار الاحیاء التراث العربی - بیروت .
- ۱۴- حقیقت و زیبایی (درس های فلسفه و هنر) - بابک احمدی - نشر مرکز - تهران - ۱۳۸۲ .
- ۱۵- الخلاف - محمد بن حسن طوسی (شیخ الطائفه) - چاپ جامعه مدرسین قم - ۱۴۱۴ ق .
- ۱۶- الدروس الشریعه - محمد بن مکی العاملی (شهید اول) - انتشارات صادقی - قم .
- ۱۷- الدر المنثور فی تفسیر المأثور - جلال الدین سیوطی - قم - ۱۴۰۴ ق .
- ۱۸- الروضه البهیة فی شرح اللمعه الدمشقیه - زید الدین جبعی عاملی (شهید ثانی) - ترجمه سید محمد جواد ذهنی تهرانی - بیروت - انتشارات مکتب دار الاسلامی - ۱۴۱۰ ق .
- ۱۹- صحیفه امام خمینی - (مجموعه سخنان امام) - روح الله الموسوی الخمینی - مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی - تهران - ۱۳۷۸ ش .
- ۲۰- عوالی اللثالی - شیخ محمد بن علی بن ابراهیم احسانی - معروف به ابن ابی جمهور - مطبعه سید الشهداء - قم - ۱۴۰۳ ق .
- ۲۱- الغدیر فی الکتاب و السنه و الادب - علامه عبد الحسین امینی - ترجمه زین العابدین قربانی - تهران - ۱۷۵ ش .

- ۲۲- غررالحکم و درر الکلم - عبد الواحد بن محمد تمیمی آمدی - ترجمه سید هاشم رسول محلاتی - موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران - ۱۳۷۳ ش .
- ۲۳- المبسوط فی فقه الامامیه - محمد بن حسن طوسی (شیخ الطائفه) - المكتبه المرتضویه - تهران - ۱۳۵۱ .
- ۲۴- مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل - میرزا حسین نوری - چاپ دوم - موسسه آل البيت لاحیاء التراث - بیروت - ۱۴۰۸ ق .
- ۲۵- مفتاح الکرامه فی شرح القواعد العلامه - محمد جواد حسینی عاملی - بیروت - دار احیاء التراث العربی .
- ۲۶- مکاسب - مرتضی بن محمد شیخ انصاری - چاپ سنگی - بی تا - تبریز .
- ۲۷- موسیقی و غنا در آینه فقه - درس خارج فقه آیت الله مروجی - به نگارش محمد رضا جباران - پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی - تهران - ۱۳۷۸ .
- ۲۸- النهایه فی غریب الحدیث - مبارک بن ابی الکریم بن اثیر - دار احیاء التراث العربی - بیروت - بی تا .
- ۲۹- الوافی - ملا محسن فیض کاشانی - کتابفروشی اسلامیة - تهران - ۱۳۷۵ ش .
- ۳۰- وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه - محمد بن الحسن الحر عاملی - تحقیق عبد الرحیم الربانی الشیرازی - بیروت - دار احیاء التراث العربی .



شروېشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی